

سبک‌های هویت و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر و پسر

داود قادری*

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سراب

علی مصطفایی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور واحد مهاباد

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر و پسر بود. ۱۶۲ دانشجوی (۸۶ دختر و ۷۶ پسر)، که به شیوه تصادفی مرحله‌ای خوشه‌ای از میان دانشجویان دانشگاه آزاد سراب انتخاب شده بودند، پرسشنامه‌های سبک‌های هویت برزونسکی (۱۹۸۹) و پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون، آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. نتایج نشان داد که در دانشجویان پسر رابطه بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت با جهت‌گیری مذهبی درونی مثبت و معنادار بود و در دانشجویان دختر رابطه بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت با جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی مثبت و معنادار بود، همچنین در این گروه بین سبک هویتی اجتنابی با جهت‌گیری مذهبی برونی رابطه منفی و معنادار به‌دست آمد، دانشجویان دختر در جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و برونی و سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی به‌طور معناداری نمرات بیشتری نسبت به دانشجویان پسر کسب کردند.

واژگان کلیدی

سبک‌های هویت؛ جهت‌گیری مذهبی درونی؛ جهت‌گیری مذهبی برونی

مقدمه

اریکسون (۱۹۶۸) در زمره روان‌شناسانی است که بیشترین سهم را در تشریح هویت داشته است. او ابتدا اصطلاح هویت خود^۱ را برای توصیف مسائل روانی بعضی از نظامیان بازگشته از جنگ دوم جهانی به کار برد، مشکل سر بازان این بود که احساس می‌کردند دیگر آن آدم قبلی نیستند، همچنین در انطباق با وظایف و مسئولیت‌های جدید خود در جامعه ناتوان هستند، احساس دوگانگی می‌کنند و فقدان پیوستگی در زندگی را تجربه می‌کنند. اریکسون (۱۹۶۸) می‌گوید: آنچه توجه مرا بیشتر جلب کرد، فقدان مفهومی از هویت در این مردان بود، آن‌ها می‌دانستند که چه کسانی هستند، آن‌ها یک هویت شخصی داشتند، اما این هویت از نظر ذهنی سست بود، زندگی آن‌ها دیگر پیوستگی گذشته را نداشت و نوعی آشفتگی اساسی در چیزی وجود داشت که آن‌را بعدها هویت خود نامیدم.

جیمز^۲ (۱۹۹۸)، هویت شخصی را مفهومی می‌داند که فرد از خود به‌عنوان یک شخص دارد و این مفهوم ناشی از تجربه تداوم و تمایز است؛ یعنی خود در طی زمان یکسان باقی می‌ماند و در عین حال از دیگران متمایز است (نقل از محسنی، ۱۳۷۵).

اریکسون (۱۹۶۸) احساس هویت را هماهنگی ادراک فرد از خویشتن با ادراک دیگران از او تعریف می‌کند و هویت‌یابی را مقابل بحران هویت یا «بی‌هویتی» پدیده‌ای روانی-اجتماعی می‌داند، که در دوره نوجوانی ظهور می‌یابد. هویت وسیله‌ای است که خود از طریق آن با جامعه ارتباط برقرار می‌کند، به طوری که نشان می‌دهد فرد در بستر فرهنگی، چه کسی است.

برزونسکی^(۲۰۰۳) هویت را یک نظریه راجع به خویشتن می‌داند و معتقد است، افراد به سبک‌ها و شیوه‌های مختلف به نظریه‌پردازی راجع به خود اقدام می‌کنند.

هویت قسمتی خودآگاه و قسمتی ناخودآگاه است و به زندگی فرد احساس یکسان بودن و پیوستگی می‌دهد. دوره شکل‌گیری و تحکیم هویت در طی دوران نوجوانی است، یعنی هنگامی که ویژگی‌های زیست‌شناختی و فرآیندهای عقلی بایستی انتظارات اجتماعی مربوط به عملکرد مناسب بزرگسالی را برآورده کنند. هویت به گذشته وابسته و تعیین‌کننده آینده است.

1. self identity
2. James



زیرا که در کودکی ریشه دارد و پایه و مبنایی است که وظایف زندگی آینده از طریق آن به ظهور می‌رسند و به‌عنوان یک پدیده روانی - اجتماعی هم در فرد و هم در فرهنگ رایج جامعه ریشه دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳).

برزونسکی (۲۰۰۳) برای پردازش مربوط به هویت سه سبک ارائه کرده است که عبارت هستند از: سبک اطلاعاتی^۱، سبک هنجاری^۲، سبک پراکنده/اجتنابی^۳. او علاوه بر این سه سبک از تعهد هویت نیز نام می‌برد. افراد با سبک هویت اطلاعاتی آگاهانه و به‌طور فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها اقدام می‌کنند و سپس از اطلاعات مناسب خود استفاده می‌کنند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰). افرادی که از سبک هویت هنجاری استفاده می‌کنند، هویت خود را بیشتر بر اسنادهای جمعی؛ برای مثال (مذهب، کشور، غرور ملی) تعریف می‌کنند (برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹). افراد دارای سبک پراکنده / اجتنابی از رویارویی و مواجهه با مسائل و تصمیم‌های شخصی بیزارند. اگر این افراد با موانع محیطی و با تعلق مواجه شوند، واکنش‌های رفتاری نشان می‌دهند و با خواسته‌ها و مشوق‌های موقعیتی کنترل می‌شوند. مشخص شده که جهت‌گیری هویتی پراکنده / اجتنابی با مقابله اجتماعی، خود ناتوان‌سازی، هدایت از سوی دیگران و راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی رابطه مثبت و با خوداندیشی، هشجاری و مقاومت شناختی رابطه منفی دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰). برزونسکی در کنار بررسی مکانیزم‌های پویایی شکل‌گیری هویت، بر عامل اساسی (تعهد) یا ساختار هویت نیز تأکید می‌کند. افرادی که دارای سبک‌های پردازش اطلاعاتی و هنجاری هستند نسبت به کسانی که از سبک مغشوش (پراکنده/اجتنابی) استفاده می‌کنند از تعهد بالاتری بهره‌مند هستند (غضنفری، ۱۳۸۲).

مذهب از جمله متغیرهای مهم دوران نوجوانی است که عامل مهمی در تکوین هویت به شمار می‌رود (اریکسون، ۱۹۶۸).

لوبا^۴ در سال ۱۹۱۲، توانست ۴۸ تعریف متفاوت از دین ارائه دهد (بهرامی احسان و

1. Informational Identity Style
2. Normative Identity Style
3. Diffuse/Avoidant Identity Style
4. Levba

همکاران (۱۳۸۴). ینجر (۱۹۷۶) می‌گوید که هر تعریف ارائه شده از دین به نظر می‌رسد که فقط برای نویسنده آن راضی کننده باشد. آلپورت (۱۹۵۰) به جای اینکه یک تعریف جامع از فرد دیندار و غیر دیندار ارائه دهد، معتقد است که ما باید خودآگاهی دینی را به آن‌هایی نسبت بدهیم که توانایی و قدرت درک آن‌را دارند، که تنها شامل افراد می‌شود که دین را تجربه می‌کنند. او معتقد است که ریشه‌های دین آن‌قدر متعدد است و اثر آن در زندگی آن‌قدر متفاوت است و اشکال تفسیر منطقی آن آن‌قدر بی‌نهایت است که رسیدن به یک تعریف واحد را غیر ممکن می‌کند.

تعریف دین از دیدگاه اسلام را می‌توان از موارد استعمال واژه اسلام در قرآن استنباط کرد. اسلام به معنی تسلیم و اطاعت است و این از آن جهت است که اسلام به معانی اصطلاحی است (دینی که حضرت محمد(ص) آورده است)، که بشریت را به تسلیم و اطاعت در برابر حقیقت کامل منحصر به فرد دعوت می‌کند، این نکته نیز از آیاتی استنباط می‌شود که دین تمام پیامبران را اسلام معرفی کرده است (مطهری، ۱۳۶۳).

گذشته از تعاریف متفاوتی که از دین وجود دارد؛ رویکرد آلپورت و راس (۱۹۶۷) در این بین الگوی نظری جالب توجهی است. باید گفت که آلپورت و راس (۱۹۶۷) بین دو جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی تمایز قایل می‌شوند. آلپورت و راس (۱۹۶۷) پیشنهاد می‌کنند که فردی که از برون برانگیخته شده است از دین خود استفاده می‌کند در حالی که فردی که از درون برانگیخته شده است با دین خود زندگی می‌کند. تمیز قایل شدن بین دین درونی و بیرونی به ما کمک می‌کند تا کسانی را که دین برای آن‌ها هدف است از کسانی که دین برای آن‌ها وسیله است جدا کنیم. آلپورت معتقد است که دین بیرونی کاملاً سودجویانه است و فایده‌ای برای فرد دارد، در مقابل دین درونی دین مربوط به ایمان است و به سود و نفع فردی توجه ندارد.

اریکسون (۱۹۶۸) معتقد بود که دین در تشکیل زیربنای هویت هر فرد می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد. پارکر (۱۹۸۵) به این نتیجه رسید که افراد بعد از تجربه یک بحران هویتی شدید اشتغال مذهبی بالایی پیدا می‌کنند و تجربه کردن تعارض در فرآیند اکتشاف هویت تعیین‌کننده اصلی تحول باورهای مذهبی است، البته، یافته‌های تجربی در ایران (به‌طور مثال دهشیری، ۱۳۸۴؛ سلطانی فرد، ۱۳۸۳؛ نجفی، ۱۳۸۳) و در سایر کشورها (به‌طور مثال مکروس



و مکاب، ۲۰۰۱؛ هانشگر و همکاران، ۲۰۰۱؛ ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵) با نظریه پارکر همسو نیستند.

براساس پژوهش‌های برزونسکی (۲۰۰۲) نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری به شیوه جزمی و هنجاری عمل می‌کنند، همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگی هم‌نوایی می‌کنند و به درون‌سازی ارزش‌های مذهبی رایج در جامعه اقدام می‌کنند، با این اوصاف برزونسکی به این نتیجه رسید که نوجوانان دارای این سبک معمولاً مذهب غالب جامعه را می‌پذیرند و احتمالاً مذهبی‌تر از سایر نوجوانان دارای سبک‌های هویتی دیگر هستند (برزونسکی، ۱۹۹۷: ۲۰۰۳).

در پژوهش‌های به عمل آمده که در آن‌ها از الگوی سبک‌های هویت برزونسکی و ابعاد الگوی مذهبی وولف^۱ استفاده شد. - این الگو دو بعد شمول استعلا / طرد استعلا^۲ را شامل است که نشان‌دهنده مذهبی بودن یا مذهبی نبودن فرد است و بعد پردازش نمادین / لفظی^۳ که سطوح پردازش محتوای مذهب، یعنی عمیق و سطحی بودن مذهب را بررسی می‌کند. - (هاتسبوت، ۲۰۰۰؛ دوریز و هاتسبورگ، ۲۰۰۵)، نتایج مشخص کرد که نوجوانانی که سبک هویت اطلاعاتی دارند محتوای مذهب را به صورت عمیق و معنادار پردازش کرده و مطابقت محتوای مذهب را با معیارهای شخصی خود منتقدانه بررسی می‌کنند، ولی نوجوانان دارای سبک هویت پراکنده/اجتنابی محتوای مذهب را به صورت سطحی تفسیر می‌کنند، چرا که احتمالاً این گروه توانایی پایینی در نظم‌دهی هیجانی دارند و از پرسش‌های شخصی و دشوار درباره مذهب خودداری می‌کنند. نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری مذهبی‌تر هستند و به یک باور ثابت مذهبی تعهد دارند.

بر اساس پژوهش‌ها (دوریز و همکاران ۲۰۰۴؛ دوریز و سونتز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶) از آنجا که افراد دارای هویت اطلاعاتی اطلاعات مربوط به خود را جستجو و ارزیابی می‌کنند به پردازش نمادین و عمیق پدیده‌های مذهبی گرایش نشان دادند و از آنجا که افراد دارای سبک هویت هنجاری با انتظارات و هنجارهای افراد مهم و گروه‌های مرجع هم‌نوایی می‌کنند تعلق خاطر

1. Wulff

2. inclusion of transcendence-exclusion of transcendence

3. symbolic-literal

بیشتری به مذهب داشتند.

در پژوهش‌های دوریز و همکاران (۲۰۰۷) که از ابعاد مذهبی دو وجهی وولف و ابعاد سبک‌های هویتی برزونسکی استفاده شده، مشخص شد که افراد دارای هویت اطلاعاتی به عمق مذهب گرایش دارند، افراد دارای هویت هنجاری تعلق خاطر بیشتری به مذهب پذیرفته شده به وسیله جامعه دارند و افراد دارای سبک هویت پراکنده زیاد به مذهب گرایشی ندارند.

مغانلو و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی که در آن برای بررسی مذهب از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی و برای بررسی هویت از پرسشنامه هویت برزونسکی استفاده شده بود به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با ابعاد مذهب رابطه مثبت و بین سبک هویت نامتمایز و ابعاد مذهب رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش‌هایی (جوکار و حسین چاری، ۱۳۸۰؛ دهشیری، ۱۳۸۴؛ سلطانی فر، ۱۳۸۳؛ فارسی نژاد، ۱۳۸۳؛ نجفی، ۱۳۸۲) در ایران مشخص کرد که بین تعهد هویت و اشتغالات مذهبی رابطه وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر (قمری گیوی، ۱۳۸۷) مشخص شد که بین معنویت و سبک هویت اطلاعاتی رابطه مثبت وجود دارد و رابطه‌ای بین سایر سبک‌ها و معنویت مشاهده نشد.

در برخی پژوهش‌ها به تفاوت‌های جنسیتی آزمودنی‌ها در حوزه دین و سبک‌های هویت شده اشاره شده است. در پژوهشی در همین رابطه، حجازی و فرتاش (۱۳۸۵) به این نتیجه رسیدند که دختران در سبک هویت اطلاعاتی بر پسران پیشی می‌گیرند، ولی در سایر ابعاد هویت دو گروه با هم تفاوت معناداری ندارند. در پژوهش دیگری در حوزه وجود تفاوت‌های جنسیتی در پایگاه‌های هویت اسکندری و شکرایی (۱۳۸۳) تفاوت معناداری در این پایگاه‌ها بین دو جنس مشاهده نکردند. مطابق با بیشتر یافته‌های پژوهشی زنان بیش از مردان عامل به باورها و تعالیم دینی هستند (گلزاری، ۱۳۷۷)، اکثر یافته‌های پژوهشی تأیید کننده این مطلب است (بیت^۱، ۱۹۹۷؛ آرچیل^۲، ۱۹۹۷؛ میلر و هافمن^۳، ۱۹۹۵؛ به نقل از گلزاری، ۱۳۷۷؛ احمد عبد الخالق، ۲۰۰۷ و قادری، ۱۳۸۹).

1. Beit
2. Argyle
3. Miller & Hoffman



همچنانکه مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه بین سبک‌های هویت و دین نشان می‌دهد، به تفکیک به عمل آمده به وسیله آلپورت و راس (۱۹۶۷) در حوزه دین (جهت‌گیری مذهبی درونی / برونی) کمتر توجه شده است و در مطالعات سابق وقتی رابطه دین و سبک‌های هویت بررسی شده است یا دین به عنوان یک عامل کلی در نظر گرفته شده است یا اگر هم دین زیر مؤلفه‌ها یا ابعادی داشته است زیر مؤلفه‌های مطالعه حاضر (درونی / برونی) مد نظر نبوده است، همچنین در بررسی رابطه بین دین و سبک‌های هویت توجه خیلی کمی به رابطه دین و تعهد هویت شده است و تا جایی که بررسی کردیم مشخص شد که در حوزه رابطه بین متغیرهای مطرح شده در پژوهش حاضر مطالعه مشابهی وجود ندارد، نتایج به دست آمده در تمامی پژوهش‌های انجام شده در این حوزه همسو نیست، سرانجام اینکه کار با نمونه‌های ایرانی به خصوص در بررسی رابطه سبک‌های هویت و دین با مؤلفه‌های درونی / برونی بسیار کم‌رنگ بوده است، با توجه به این موارد پژوهش حاضر با هدف بررسی سؤال‌های پژوهشی زیر طرح و اجرا شده است:

۱. آیا بین سبک‌های هویت در دانشجویان دختر و پسر و جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه معنادار وجود دارد؟
۲. آیا بین سبک‌های هویت در دانشجویان دختر و پسر و جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه معنادار وجود دارد؟
۳. آیا بین تعهد هویت و جهت‌گیری مذهبی درونی / برونی در دانشجویان دختر و پسر رابطه معنادار وجود دارد؟
۴. آیا سبک‌ها و تعهد هویت و جهت‌گیری مذهبی درونی / برونی در دانشجویان دختر و پسر متفاوت است؟

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان بود که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دانشگاه آزاد اسلامی سراب مشغول به تحصیل بودند. از جامعه مورد نظر و به شیوه تصادفی مرحله‌ای خوشه‌ای، بدین ترتیب که از روزهای هفته دو روز به صورت تصادفی (شنبه و چهارشنبه) و از کلاس‌هایی که در این دو روز تشکیل

شدند چهار کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و در نهایت تعداد ۱۶۲ نفر (شامل ۸۶ دختر و ۷۶ پسر) انتخاب شدند. از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تجزیه و تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده استفاده شد.

سیاهه سبک‌های هویت برزونسکی تجدید نظر شده^۱ (ISI-6G): این پرسشنامه را نخستین بار برزونسکی (۱۹۸۹) به‌منظور ارزیابی سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، پراکندگی / اجتنابی ساخته است. در این ابزار تعهد هویت نیز جداگانه اندازه‌گیری می‌شود. در سال ۱۹۹۸ وایت و همکاران علاوه بر هنجارسازی آزمون در میان گروهی از دانشجویان (۳۶۱ نفر)، درباره سؤال‌های نسخه اصلی به گونه‌ای تجدید نظر کردند که افراد با سطح تحصیلات دوره ابتدایی نیز قادر به درک و پاسخگویی به آن‌ها باشند این پرسشنامه یک مقیاس مداد - کاغذی است که ۴۰ سؤال دارد، ۱۱ سؤال آن مربوط به سبک اطلاعاتی (با ضریب آلفای ۰/۵۹)، ۹ سؤال در زمینه سبک هنجاری (با ضریب آلفای ۰/۶۴)، ۱۰ سؤال مربوط به سبک سردرگمی یا اجتنابی (با ضریب آلفای ۰/۷۸) و ۱۰ سؤال میزان تعهد را اندازه‌گیری می‌کند. پیوستار پاسخ‌ها بر اساس طیف کاملاً مخالف، تا حدودی مخالف، مطمئن نیستم، تا حدودی موافق و کاملاً موافق رتبه‌بندی شده است و به ترتیب نمره‌های یک، دو، سه، چهار و پنج به هر گزینه اختصاص یافته است. فقط سؤال‌های ستاره‌دار به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برزونسکی (۱۹۹۷) ضریب اعتبار سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی و تعهد هویت را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۸، ۰/۷۳ و ۰/۶۶ گزارش کرده است. غضنفری (۱۳۸۲) این آزمون را در ایران ترجمه کرده است، ضریب آلفای کرونیخ برای کل نمونه ایرانی برابر ۰/۶۸ است (فارسی نژاد، ۱۳۸۳). همچنین فارسی نژاد ضرایب آلفای کرونیخ ۰/۷۷، ۰/۶۰، ۰/۶۶ را برای سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی گزارش کرده است.

پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت^۲: این آزمون شامل ۲۱ جمله است که به آزمونی ارائه می‌شود و بعد از اطمینان بخشیدن به او در حفظ و امانت‌داری پاسخ‌های ارائه شده از طرف آزمودنی، از او خواسته می‌شود با کمال صداقت، احساس و نگرش خود هر یک از

1. Identify style inventory – 6g
2. religious orientation inventory



عبارات را با علامت‌زدن و انتخاب یکی از گزینه‌ها مشخص کند. آزمون دارای چهار گزینه: الف - کاملاً مخالفم، ب - تقریباً مخالفم، ج - تقریباً موافقم، د - کاملاً موافقم. آزمون محدودیت زمانی ندارد و به صورت گروهی اجرا می‌شود. در این مقیاس، گزینه‌های عبارات ا تا ۱۲ جهت‌گیری مذهبی برونی و عبارات ۱۳ تا ۲۱ جهت‌گیری مذهبی درونی را می‌سنجند. آلپورت و راس در سال ۱۹۶۷، این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و برونی تهیه کردند. آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و درونی به ترتیب با ۰/۷۹ و ۰/۸۲ برابر بود و اعتبار بازآزمایی آزمون بعد از یک ماه ۰/۷۳ بود. در مطالعات اولیه، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری برونی و درونی ۰/۲۱ است.

این آزمون در ایران (آزین، ۱۳۷۸) ترجمه و هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمده و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ است، همچنین روایی آزمون ۰/۷۳ گزارش شده است.

یافته‌ها

در ارائه توصیفی کلی از داده‌های مورد بررسی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و اجتنابی / سردرگمی، تعهد هویت و جهت‌گیری مذهبی درونی / برونی برای نمونه مورد بررسی در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در ابعاد هویتی و دینی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
جهت‌گیری مذهبی درونی	۲۳/۲۸	۵/۳۸
جهت‌گیری مذهبی برونی	۲۶/۶۰	۵/۱۲
سبک اطلاعاتی	۳۱/۳۳	۹/۲۱
سبک هنجاری	۲۸/۷۴	۸/۰۶
سبک اجتنابی / سردرگمی	۳۰/۵۳	۶/۲۹
تعهد	۳۰/۳۳	۷/۲۹

بررسی رابطه بین متغیرهای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، پراکنده / اجتنابی و

تعهد هویت با جهت گیری مذهبی درونی / برونی به تفکیک جنس (برای بررسی آماری سؤال های ۱ و ۲ مقاله حاضر) با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در جداول ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرها در دانشجویان پسر

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. تعهد هویت						
۲. سبک اجتنابی	-۰/۳۹					
۳. سبک هنجاری	۰/۶۲**	۰/۳۸**				
۴. سبک اطلاعاتی	۰/۸۰**	۰/۰۹۳	۰/۶۶**			
۵. جهت گیری مذهبی برونی	۰/۱۶	۰/۱۲	۰/۰۱۸	۰/۰۴۹		
۶. جهت گیری مذهبی درونی	۰/۹۳**	-۰/۰۹۳	۰/۶۷**	۰/۸۸**	۰/۱۳	

** P < ۰/۰۱

داده های جدول ۲ نشان می دهد که در دانشجویان پسر بین دین درونی و سبک های هویتی اطلاعاتی و هنجاری و تعهد هویت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < ۰/۰۱$) و رابطه بین دین برونی و سبک های هویت و تعهد هویت معنادار نیست. در جدول ۳ و برای پیش بینی متغیر جهت گیری مذهبی درونی از تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۳: خلاصه تحلیل رگرسیون جهت گیری مذهبی درونی بر اساس سبک های هویت در دانشجویان پسر

متغیرها	B	خطای استاندارد	بتا	T	سطح معناداری
۱. سبک اطلاعاتی	۰/۱۷۷	۰/۰۳۱	۰/۳۴۸	۵/۷۳	۰/۰۰۰
۲. سبک هنجاری	۰/۰۳۷	۰/۰۳۳	۰/۰۵۸	۱/۱۰	۰/۲۷۲
۳. سبک اجتنابی	-۰/۰۱۰	۰/۰۲۵	-۰/۰۱۵	-۰/۳۸۹	۰/۶۸۹
۴. تعهد هویت	۰/۳۲۳	۰/۰۳۱	۰/۶۱۴	۱۰/۴۶	۰/۰۰۰



تحلیل رگرسیون داده‌ها برای دانشجویان پسر نشان می‌دهد که دین درونی به طور معناداری به وسیله سبک‌های هویت اطلاعاتی و تعهد هویت قابل پیش بینی است ($P < /0.1$). با توجه به اینکه بین دین برونی و سبک‌های هویت و تعهد هویت رابطه معناداری به دست نیامد از ترسیم جدول تحلیل رگرسیون برای این متغیرها اجتناب می‌شود. جدول ۴ ضرایب همبستگی بین جهت‌گیری‌های مذهبی درونی / برونی با سبک‌های هویت و تعهد هویت در دانشجویان دختر را نشان می‌دهد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین متغیرها در دانشجویان دختر

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. تعهد هویت						
۲. سبک اجتنابی	-۰/۰۷۴					
۳. سبک هنجاری	۰/۸۰**	-۰/۰۵۴				
۴. سبک اطلاعاتی	۰/۷۱**	۰/۰۰۴	۰/۸۵**			
۵. دین برونی	۰/۴۳**	-۰/۲۳*	۰/۴۴**	۰/۳۳**		
۶. دین درونی	۰/۸۱**	-۰/۰۱۲	۰/۹۲**	۰/۹۱**	۰/۱۲	

$P < /0.1 \times \times$

$P < /0.5 \times$

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که در دانشجویان دختر بین دین درونی و سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت و همچنین بین دین برونی و سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت رابطه مثبت و معنادار ($P < /0.1$) و بین دین برونی و هویت اجتنابی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P < /0.5$). برای پیش بینی متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی از طریق سبک‌های هویت و تعهد هویت در دانشجویان دختر از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۵: خلاصه تحلیل رگرسیون جهت‌گیری مذهبی درونی بر اساس سبک‌های هویت در دانشجویان دختر

متغیرها	Bعامل	خطای استاندارد	بتا	T	سطح معناداری
۱. سبک اطلاعاتی	۰/۲۶۶	۰/۰۳۷	۰/۴۲۹	۷/۱۱	۰/۰۰۰
۲. سبک هنجاری	۰/۲۸۹	۰/۰۵۱	۰/۴۰۴	۵/۶۹	۰/۰۰۰
۳. سبک اجتنابی	۰/۰۲۰	۰/۰۲۸	۰/۰۲۲	۰/۷۲۰	۰/۴۷۴
۴. تعهد هویت	۰/۱۶۴	۰/۰۴۵	۰/۱۹۱	۳/۶۳	۰/۰۰۰

در ادامه برای پیش‌بینی متغیر جهت‌گیری مذهبی درونی از طریق سبک‌های هویت و تعهد هویت در دانشجویان دختر از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۶: خلاصه تحلیل رگرسیون جهت‌گیری مذهبی درونی بر اساس سبک‌های هویت در دانشجویان دختر

متغیرها	B	خطای استاندارد	بتا	T	سطح معناداری
۱. سبک اطلاعاتی	-۰/۰۸۴	۰/۱۰۰	-۰/۱۵۶	-۰/۸۳۵	۰/۴۰۶
۲. سبک هنجاری	۰/۲۴۷	۰/۱۳۶	۰/۳۹۹	۱/۸۱	۰/۰۷۳
۳. سبک اجتنابی	-۰/۱۵۲	۰/۰۷۶	-۰/۱۹۳	-۲/۰۰	۰/۰۴۸
۴. تعهد هویت	۰/۱۵۳	۰/۱۲۱	۰/۲۰۶	۱/۲۶	۰/۲۰۹

نتایج تحلیل رگرسیون برای دانشجویان دختر نشان می‌دهد که دین درونی به طور معناداری به وسیله سبک‌های هویتی اطلاعات، هنجاری و تعهد هویت قابل پیش‌بینی است (۱٪). $P <$ همچنین دین درونی به طور معنادار و منفی به وسیله سبک هویتی اجتنابی قابل پیش‌بینی است.

بمنظور بررسی سؤال چهارم مقاله حاضر از روش تحلیل واریانس چند متغیره برای مقایسه متغیرهای جهت‌گیری مذهبی درون / برونی، سبک‌های هویت و تعهد هویت در دانشجویان دختر و پسر استفاده شد.



جدول ۷: خلاصه آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) برای مقایسه دانشجویان دختر و پسر در سبک‌ها، تعهد هویت و جهت‌گیری دینی درونی و برونی

منبع	متغیرهای وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
	جهت‌گیری مذهبی درونی	۵۱۰/۹۶	۱	۱۹/۶۸	۰/۰۰۰
	جهت‌گیری مذهبی برونی	۱۴۸۷/۴۸	۱	۸۷/۰۱	۰/۰۰۰
	سبک اطلاعاتی	۱۲۸۶/۲۳	۱	۱۶/۶۳	۰/۰۰۰
جنسیت	سبک هنجاری	۱۷۴۴/۴۷	۱	۳۲/۰۱	۰/۰۰۰
	سبک پراکنده / اجتنابی	۰/۰۰۳	۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹۳
	تعهد هویت	۱۳۶/۴۵	۱	۲/۵۹	۰/۱۰۹

مقایسه متغیرها میان دانشجویان دختر و پسر نشان می‌دهد که دانشجویان دختر به طور معناداری در جهت‌گیری‌های مذهبی درونی، برونی و سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی نمرات بیشتری را نسبت به دانشجویان پسر کسب کرده‌اند ($P < .1$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان بود. با هدف بررسی سؤال‌های اول و دوم مطالعه حاضر نتایج پژوهش مشخص کرد که بین سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری با جهت‌گیری مذهبی درونی در دانشجویان دختر و پسر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، همچنین در دانشجویان دختر رابطه بین جهت‌گیری مذهبی برونی و هویت اجتنابی منفی و معنادار بود. یافته‌ها همچنین بیان‌کننده این مطلب بودند که در دانشجویان پسر، جهت‌گیری مذهبی درونی به طور معناداری به وسیله سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری قابل پیش‌بینی است و در دانشجویان دختر، دین درونی به وسیله سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری قابل پیش‌بینی است. یافته‌های مطالعه حاضر درباره رابطه مثبت بین دین و سبک هویت هنجاری با نتایج بیشتر پژوهش‌های اجرا شده در این حوزه همسوست، نتایج نشان داد که بین دین و سبک‌های هویت هنجاری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ همچنین مشخص شد که در دانشجویان دختر سبک هویت هنجاری

پیش‌بینی‌کننده دین با جهت‌گیری مذهبی درونی است (جداول ۲ و ۴ و ۵). برزونسکی (۲۰۰۲ و ۲۰۰۳) معتقد بود که نوجوانان دارای سبک‌های هویت‌هنجاری از سایر نوجوانان مذهبی‌تر هستند و به پذیرش مذهب غالب جامعه رغبت دارند، همچنین هاتسبورگ (۲۰۰۰) و دوریز و هاتسبورگ (۲۰۰۵) به نتایج مشابهی دست یافتند. دوریز و همکاران (۲۰۰۴) و دوریز و سونتز (۲۰۰۵ و ۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که از آن جایی که افراد دارای سبک هویت‌هنجاری با هنجارهای جامعه هم‌نوایی بیشتری دارند از سایر افراد مذهبی‌تر هستند. دوریز و همکاران (۲۰۰۷) و مغاللو و همکاران (۱۳۸۸) یافته‌های مشابهی را گزارش کردند. افراد دارای سبک هویت‌هنجاری با انتظارات و هنجارهای افراد مهم و گروه‌های مرجع هم‌نوایی می‌کنند و تعلق خاطر بیشتری به مذهب دارند؛ این افراد تعلق خاطر بیشتری به مذهب پذیرفته شده به‌وسیله جامعه دارند (دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سونتز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۷) همچنین نوجوانانی که از سبک هویت‌هنجاری استفاده می‌کنند به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نوایی با انتظارات و دستورات افراد مهم و گروه‌های مرجع اقدام می‌کنند. آن‌ها به‌طور خودکار، ارزش‌ها و عقاید را بدون ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند و ظاهراً تحمل کمی برای مواجهه با موقعیت‌های جدید و مبهم دارند و نیاز بالایی برای بسته نگه داشتن ساختار خود نشان می‌دهند (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۹۸؛ به نقل از وقاری، ۱۳۸۵).

در راستای بیشتر پژوهش‌های اجرا شده در این حوزه (هاتسبورگ، ۲۰۰۰؛ هاتسبورگ و دوریز؛ ۲۰۰۵؛ دوریز و سونتز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۷؛ مغاللو و همکاران، ۱۳۸۸؛ جوکار و همکاران، ۱۳۸۰؛ دهشیری، ۱۳۸۴؛ سلطانی‌فر، ۱۳۸۳؛ فارسی‌نژاد، ۱۳۸۳ و نجفی، ۱۳۸۲) مشخص شد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و سبک هویت‌اطلاعاتی در دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین مشخص شد که در دانشجویان دختر و پسر دین درونی به‌طور معناداری به‌وسیله سبک هویتی اطلاعاتی قابل پیش‌بینی است (جداول ۲ و ۳ و ۴ و ۵). در اینجا اشاره به این نکته ضروری است که دین درونی از دیدگاه آلپورت و راس (۱۹۶۷) در واقع دین در عمق است. افراد دارای هویت اطلاعاتی به‌طور عمیق به مذهب گرایش دارند (اسمیتز و گوسنس، ۲۰۰۷) بر اساس پژوهش‌ها (دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سونتز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶) از آنجا که افراد دارای هویت اطلاعاتی به جستجو و ارزیابی اطلاعات



مربوط به خود اقدام می‌کنند به پردازش نمادین و عمیق پدیده‌های مذهبی گرایش نشان دادند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که استفاده از جهت‌گیری اطلاعاتی با خوداندیشی، تلاش‌های مقابله‌ای مسأله‌دار نیاز قوی به شناخت، پیچیدگی شناختی، تصمیم‌گیری هشیار و هشیاری، بشاشی و باز بودن رابطه مثبت دارد (برزونسکی، ۲۰۰۳؛ برزونسکی، ۲۰۰۵). یکی از جستجوهای خیلی مهم افراد دارای این سبک می‌تواند دین و مذهب باشد، دین مفهوم بسیار پیچیده و گسترده‌ای است که کسب دانش درباره آن احتیاج وافر به کسب اطلاعات مکفی راجع به آن دارد و افراد دارای این سبک به این جستجوی بی‌پایان دست می‌زنند. همسو با بیشتر نتایج پژوهش‌های اجرا شده در حوزه بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سبک هویت پراکنده / اجتنابی (به استثناء وجود رابطه منفی و معنادار در مطالعه حاضر بین این دو متغیر) مشخص شد که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود ندارد (برزونسکی، ۲۰۰۲؛ هاتسبورگ، ۲۰۰۰؛ دوریز و هاتسبورگ، ۲۰۰۵؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سونتز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶؛ مغانلو و همکاران، ۱۳۸۸؛ جوکار و حسین چاری، ۱۳۸۰؛ دهشیری، ۱۳۸۴؛ سلطانی فر، ۱۳۸۳؛ فارسی نژاد، ۱۳۸۳ و نجفی، ۱۳۸۲). البته، برخی پژوهش‌ها به وجود رابطه بین این دو متغیر اشاره کرده‌اند (دوریز و همکاران، ۲۰۰۷؛ هاتسبورگ، ۲۰۰۰؛ هاتسبورگ و دوریز، ۲۰۰۵) (جدول ۶). این ناهمخوانی بیشتر به زمینه‌های مورد اجرا مربوط می‌شود تا نمونه مورد بررسی چون در بیشتر موارد نمونه‌های مورد دانشجویان بوده است. همچنین ذکر این مطلب ضروری است که بیشتر یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارند. نوجوانان با سبک هویت اجتنابی تعلق و درنگ زیادی دارند همچنین تا حد ممکن سعی در از توجه به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری اجتناب دارند، اگر این تعلق طولانی مدت باشد، تقاضای موقعیتی و محیطی باعث واکنش‌های رفتاری در آن‌ها می‌شود در این افراد واکنش‌های موقتی و همین‌طور هم‌نواپی کلامی بیشتر از تصمیمات بلند مدت، مشاهده می‌شود (برزونسکی، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵). در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، آن‌ها ضمن اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً قبل از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند افراد دارای سبک سردرگم یا اجتنابی از مواجهه با مسائل و تصمیم‌های شخصی بیزارند (برزونسکی، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵).

در راستای بررسی سؤال سوم مطالعه حاضر، نتایج پژوهش همچنین نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و تعهد هویت در پسران و جهت‌گیری مذهبی درونی / برونی با تعهد هویت در دختران رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و در هر دو گروه تعهد هویت پیش بینی‌کننده دین درونی است (جداول ۲ و ۳ و ۴ و ۵). همچنان که در قسمت مقدمه بدان اشاره شد در پژوهش‌های اجرا شده در این حوزه به مفهوم تعهد هویت توجهی نشده است. تعهد هویت عبارت است از دسترسی به یک چهارچوب ارتجاعی جهت‌دار و هدف‌مند از ارزش‌ها و باورها که رفتار و بازخوردهای آن را در درون یک چهارچوب بازبینی، ارزیابی و تنظیم می‌شوند. این چهارچوب ارتجاعی ممکن است به صورت خود ابداعی یا تجویز شده از سوی دیگران ایجاد شود (برزونسکی، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵). طبق نظر برزونسکی (۲۰۰۳) افرادی که تعهد کمی دارند، یعنی درباره خودشان و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند یک دیدگاه ثابت و واضح ندارند، ممکن است اجتماع را به صورت یک مجموعه آشفته یا هرج و مرج، غیرقابل پیش‌بینی و مدیریت ناپذیر بدانند، یعنی از سلامت اجتماعی پایینی بهره‌مند هستند. برزونسکی (۲۰۰۵) در کنار بررسی مکانیزم‌های پویایی شکل‌گیری هویت، بر عامل اساسی (تعهد) یا ساختار هویت نیز تأکید می‌کند. افرادی که سبک‌های پردازش اطلاعاتی و هنجاری دارند، نسبت به کسانی که از سبک مغشوش (اجتنابی) استفاده می‌کنند از تعهد بالاتری بهره‌مند هستند.

در جهت بررسی سؤال چهارم مطالعه حاضر، تقریباً همسو با تمامی پژوهش‌های اجرا شده در این حوزه (گلزاری، ۱۳۷۷؛ بیت، ۱۹۹۷؛ آرچیل، ۱۹۹۷؛ میلر و هافمن، ۱۹۹۵؛ به نقل از گلزاری ۱۳۷۷؛ احمد عبد الخالق؛ ۲۰۰۷ و قادری، ۱۳۸۹) مشخص کرد که دانشجویان دختر در جهت‌گیری‌های مذهبی درونی و برونی نمرات بیشتری را به دست آورده‌اند (جدول ۷). در واقع باید به این نکته اشاره کرد که کمتر مطالعه‌ای در این حوزه هست که تأییدکننده اعتقادات مذهبی بالاتر و بیشتر در میان زنان نسبت به مردان نباشد (جدول ۷). نتایج پژوهش حاضر با پژوهش حجازی و فرتاش (۱۳۸۵) و اسکندری و شکرایی (۱۳۸۳) همخوانی ندارد. باید پذیرفت که توصیف سبک هویت هنجاری در جامعه ما بیشتر متناسب با زنان جامعه است در واقع ما معمولاً از دختران خود انتظار داریم که مطابق هنجارها و نورم‌ها و امر و نهی‌های بزرگان خود عمل کنند و چه بسا بسیاری از زنان جامعه ما آسایش را در این خواهند دید که با



کسب این هویت در واقع از مشکلات ناشی از کسب سایر هویت‌ها فرار می‌کنند. هویت هنجاری در واقع می‌تواند تأمین‌کننده امنیت در زنانی باشد که نسبت به مردان جامعه اقتدار زیادی ندارند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود، با توجه به اینکه جامعه پژوهش دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد سراب را شامل بود و به تبع آن نمونه مورد بررسی هم از این جامعه انتخاب شد، تعمیم نتایج حاصل از این مطالعه فقط به دانشجویان دانشگاه مذکور امکان‌پذیر است. مورد دیگر این است که خود دانشجویان تشکیل‌دهنده گروه خاصی با ویژگی‌های خاص خود در جامعه هستند که از بسیاری جهات با سایر اقشار جامعه متفاوت هستند. بنابراین، نتایج داده‌های پژوهش حاضر درباره این قشر مبین آن چیزی نخواهد بود که در سایر اقشار جامعه وجود دارد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با جامعه‌ها و نمونه‌های متفاوتی در این حوزه کار شود. در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه (همچنین در مطالعه حاضر) از ابزارهایی غیرایرانی برای سنجش دین و جهت‌گیری مذهبی استفاده شده است، پیشنهاد می‌شود در صورت امکان پژوهش‌گران ما در پژوهش‌های آتی خود در این حوزه هم در صدد ساختن ابزاری در این حوزه باشند و هم در بررسی رابطه بین متغیرها در این حوزه از چنین ابزاری استفاده کنند.

منابع

- آرین، خدیجه (۱۳۷۸). بررسی رابطه بین دینداری و روان درستی ایرانیان مقیم آمریکا. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- اسکندری، حسین و شکرایی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در دختران و پسران دانشجو. *مطالعات زنان*، ۲(۵)، ۸۷-۱۱۰.
- بهرامی احسان، هادی؛ تمنایی فریما و بهرامی احسان، زینب (۱۳۸۴). رابطه بین ابعاد جهت‌گیری مذهبی با سلامت روانی و اختلال‌های روان شناختی. *روان شناسان ایرانی*، ۲(۵)، ۳۶-۴۷.
- جوکار، بهرام و حسین چاری، مسعود (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین میزان پای‌بندی به اعمال عبادی و سبک‌های هویت. *اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان*، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۲۷-۳۰ فروردین.
- جیمز، ویلیام (۱۳۵۹). *دین و روان*، ترجمه مهدی قاینی، قم: دارالفکر.
- حجازی، الهه و فرتاش، سهیلا (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی. *پژوهش زنان*، ۴(۳)، ۶۱-۷۶.
- دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۴). بررسی رابطه دینداری و بحران هویت در دانش‌آموزان شهرستان یزد، *مجله تعلیم و تربیت*، ۲۸، ۸۷-۹۸.
- سلطانی فرد، علی (۱۳۸۳). *بررسی ارتباط بین وضعیت‌های هویت و دینداری در دانش‌آموزان و دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه تربیت معلم.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۲). *بررسی تأثیرات هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان*، رساله دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.



فارسی نژاد، معصومه (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر پایه ۲ شهرستان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه تهران.

قادری، داود (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و شادکامی سالمندان. مجله سالمندی ایران، ۱۸(۵)، ۶۴-۷۰.

قمری گیوی، حسین (۱۳۸۷). معنویت هویت و بهداشت روانی در گستره زندگی. روان‌شناسی و دین، ۴، ۴۳-۷۱.

گلزاری، محمود (۱۳۷۷). ساخت و اعتبار یابی مقیاس عمل به باورهای دینی، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

محسنی، نیکچهر (۱۳۷۵). ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی. تهران: بعثت.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). یادنامه (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

مغانلو، مهناز، آگیلاز وفایی، مریم و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت و دینداری در دانشجویان. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۴، ۳۷۷-۳۸۷.

نجفی، محمود (۱۳۸۳). بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت در دانش آموزان دختر و پسر سال تحصیلی ۸۱-۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

وقاری، سیمین (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت و خودکارآمدی پنداری/باور به کارایی شخصی در دانش آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهرستان کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی شخصیت، دانشگاه آزاد کرج.

AhmedAbdel-Khalek, M. (2006). Happiness , health , and religiosity: Significant relation. *Mental health, Religion & Culture* ;9(1):85-97.

Allport ,G, W.(1950). *The Individual and his religion*. New York , Macmillan.

Allport, G, W. & Ross, J. M.(1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personal and Social Psychology*,1 ,80-90.

- Batson, C, D. Scheonrade , P. & Ventis, W, L.(1993). *Religion and Individual: A Social Psychological Perspective*. New York Oxford Vanier City Press.
- Berzonsky, M, D.(1989). Identity style conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research, 4*, 268-282.
- Berzonsky, M. D.(1990). Self-construction over the lifespan: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology, 1*, 155-186.
- Berzonsky, M. D.(1997). Identity development, control theory, and self regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research, 12*, 347-353.
- Berzonsky, M, D. & Adams, G. R.(1999). Commentaryre-evaluating the identity statuses paradigm still useful after 35 years, *Developmental Review, 19*, 557-59.
- Berzonsky, M. D.(2002). Identity processing styles, self construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. Paper presented in the *Workshop "Social Cognition in Adolescence: Its Developmental Significance"*. Groningen, the Netherlands.
- Berzonsky, M.D.(2003). *Identity style and well- Being: Does commitment Matter?* Department of psychology, State university of new York at Cortland. Vol.(3), I(2), 131-142.
- Berzonsky, M.D.(2005). *Interrelationships Among identity process content, and structure: Across – cultural investigation*. state university of New York at Cortland.
- Berzonsky, M. D & Kuk, L. S.(2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15*, 81-98.
- Duriez, B & Soenens, B.(2005). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents and middle adolescents. *Journal of Adolescence, 35*, 1-15.
- Duriez, B & Soenens, B.(2006). Personality, identity styles and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence, 29*, 119-135.
- Duriez, B., Soenens, B & Beyers, W.(2004). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality, 72*, 877-910.
- Duriez, B., Smits, I & Goossense, L.(2007). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective. *Personality and Individual Differences, 44*, 1022-1031.
- Duriez, B & Hutsebaut, D.(2005). A slow and easy introduction to the Post-Critical Belief Scale. Internal structure and external relationships. In D. M. Wulff (Ed.), *Handbook of the Psychology of Religion*. London: Oxford niversity Press.
- Erikson, E, H (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.

- Hunsherger, B., Pratt, M & Pance, S. M (2001). Adolescent identity formation: Religious exploration and commitment. *An International. Journal of Theory and Research*, 1, 385-397.
- Hutsebaut, D (2000). Identity statuses and ego-integration, God representation and religious cognitive styles. *Journal of Empirical Theology*, 10, 39-54.
- Macros, J & McCabe, M (2001). Relationship between identity and self-representation during adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 30, 256-271.
- Parker, M. S (1985). Identity and the development of religious thinking. *New Directions for Child Development*, 30, 43-60.
- Yinger, J. M (1976). Plurglism, Religion and Secularism. *Journal for the scientific study of religion*, 6, 17-28.

Archive of SID

نویسندگان

d.ghaderipsy@gmail.com

داود قادری

دارای مدرک دکترای روان‌شناسی و همچنین دارای درجه علمی استادیاری، هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد سراب. دارای دو تألیف، ۹ مقاله علمی - پژوهشی ISI است و در ۱۰ همایش در سطوح مختلف علمی شرکت کرده‌اند.

a_mostafaei@pnu.ac.ir

علی مصطفایی

دارای مدرک دکترای روان‌شناسی، هیأت علمی تمام وقت دانشگاه پیام نور مهاباد با درجه علمی استادیاری. ایشان ۲۰ مقاله در سطوح مختلف علمی دارند.

Archive of SID